

فضا، آمایش سرزمین و توسعه روستایی

مسعود مهدوی

استاد گروه جغرافیای انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

آئیژ عزمی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تهران

aeizhazmi@ut.ac.ir

چکیده:

توسعه و توسعه روستایی از محورهای مورد توجه امروز جوامع در حال توسعه است و دنبال کردن رهیافت هایی جهت بهبود وضعیت مردم روستایی از اهداف آن است. این مساله در جواب ناکامی هایی مطرح بوده است که به خاطر توجه صرف برخی از کشورها به مبحث رشد به جای توسعه بوده است که سبب گردیده در توزیع منافع توسعه و ترقی بین مردم سرزمین خود، دچار مشکل شوند. جهت حل این مشکل در کشورهای جهان سوم ابزارهای متعددی برای کاهش تضاد طبقاتی موجود ارایه شده که اصلاحات ارضی و آمایش سرزمین از آن جمله است. آمایش سرزمین به عنوان توزیع بهینه امکانات اقتصادی و اجتماعی در کشور مطرح است و اصلاحات ارضی درصدد نوبینانی اقتصادی و تولیدی جامعه روستایی است. البته قبل از آن توجه به مفهوم فضا و چشم انداز جهت ارزیابی چشم اندازها ضرورت دارد. در این راستا مهم است که به تبیین مفهوم زمین پرداخته شود و روش های ارزیابی زمین بیان گردد.

واژه های کلیدی: فضا، آمایش سرزمین، توسعه، توسعه روستایی، اصلاحات ارضی

مقدمه

توسعه و بحث های مربوط به آن از زمان به استقلال رسیدن کشورها از یوغ استعمار و شاید پیش از آن یعنی بعد از جنگ جهانی دوم و جهت تلاش در جهت بازسازی اثرات ناشی از جنگ مطرح شد که راهبردهای مختلفی نیز در این باره مطرح گردید. در این راهبردها توجه کمی به توسعه روستایی به عنوان یکی از بخش های مهم کشور شده بود و عمده توجهات معطوف به توسعه شهر و صنعت می شد. با گذشت زمان بسیاری از کشورهای جهان سوم (بالاخص با عدم کامیابی در پیاده کردن الگوهای توسعه غربی) به این نتیجه رسیدند که باید الگویی نو در جهت توسعه، بویژه توسعه مناطق روستایی پیاده سازند. تعدادی از کشورهای جهان سوم نظیر چین و هند برنامه های مختلفی را جهت توسعه مناطق روستایی خود مطرح نمودند که برخی از این برنامه ها موفق نیز بوده است. در این

برنامه‌ها توجه خاصی به اصلاحات ارضی و آمایش سرزمین شده است تا با این روش بتوانند برخی از نابرابری‌های موجود در سطوح روستایی با یکدیگر یا با سطوح شهری جبران شود. مقاله حاضر بررسی این دو راهبرد می‌پردازد ضمن آن که ابتدا تعریفی از توسعه و توسعه روستایی ارائه می‌شود و در ادامه به بحث ارزیابی زمین و چشم انداز به عنوان پیش شرطی برای اصلاحات ارضی و آمایش سرزمین پرداخته می‌شود. در این بین مفهوم فضا به عنوان یک مفهوم کلیدی در بحث‌های آمایش سرزمین مورد توجه قرار می‌گیرد.

دیدگاه‌های توسعه

توسعه و رشد از جمله مفاهیمی است که در کشورهای جهان سوم مطرح شده است و منابع و امکانات این کشورها در جهت توسعه بکار گرفته شده است. در عین حال مفهوم رشد و توسعه نیز به جهت تنوع استراتژی‌هایی که در این کشورها به اجرا درآمده، متفاوت بوده است که در این جا به برخی از دیدگاه‌هایی که استراتژیست‌های توسعه بیان داشته‌اند، اشاره می‌شود.

- فریدمن رشد را به معنای گسترش سیستم در جهان، بدون تغییر در زیر بناهای آن دانسته و توسعه را به عنوان خلاقیت و نوآوری در جهت ایجاد تغییرات زیربنایی در سیستم اجتماعی مطرح می‌کند.
- شومپیتر رشد را تغییرات آرام و تدریجی در شرایط اقتصادی در بلند مدت که در نتیجه افزایش تدریجی در نرخ پس اندازها و جمعیت حاصل می‌شود، دانسته است. وی توسعه را تغییر مداوم و خودبخودی در کشورهای در حال توسعه دانسته که بعد از استقلال سیاسی، تعادل اقتصادی موجود در اقتصاد را از دست داده‌اند.
- ازکیا رشد را ازدیاد ثروت در جامعه که معمولاً با شاخص‌هایی نظیر درآمد سرانه اندازه‌گیری می‌شود دانسته است. توسعه از دید وی علاوه بر ازدیاد کمی ثروت از تغییر کیفی نظام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حکایت دارد.
- مایکل تودارو توسعه را فراتر از معیار محدود اقتصادی می‌داند و معتقد است توسعه جریانی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی مردم، شعارهای ملی و نیز تسریع در رشد اقتصادی و کاهش نابرابری و ریشه‌کنی فقر است. در حقیقت توسعه به معنای ارتقا مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و انسانی‌تر است.
- میسرا معتقد است توسعه به عنوان دستاورد انسانی دارای مختصات فرهنگی بوده و بر تحولات ارگانیکی دلالت دارد. توسعه دستیابی فزاینده بر ارزشهای فرهنگی می‌باشد که بر اصول زیر دلالت دارد.

۱. توسعه یک فرایند است

۲. این فرایند به ارزشها مربوط می‌شود

۳. این ارزشها، ارزشهای مردمی است و به جهان غرب و شرق تعلق ندارد.

از دیدگاه وی ماهیت توسعه عبارتست از یک پدیده اجتماعی، یک فرایند، نوعی تغییر اجتماعی، نوعی استراتژی، مفهومی فرارشته‌ای، دارای بار ارزشی و ایدئولوژیکی، واجد قابلیت تخیلی و برنامه‌ریزی به گونه‌ای سیستماتیک و عینی بر بینش‌های سیستمی است. واجد خصلت دیالکتیکی بین زیر بنا و روبنا در ارتباطی تنگاتنگ با دوگانگی‌ها

و تضادهای اجتماعی است. ولی رشد پدیده ای یک بعدی و صرفاً اقتصادی، که ویژگی های آن برخلاف توسعه قابلیت سنجش و اندازه گیری به صورت کمی است.

▪ کیندبرگر معتقد است رشد اقتصادی در ارتباط با تولید بیشتر است ولی توسعه اقتصادی تولید بیشتر همراه با تغییرات در نحوه سازمان تولید است.

شاید بتوان گفت که یکی از نقاط افتراق که در تعاریف فوق بین رشد و توسعه بیان شده جنبه یک بعدی رشد و کمی بودن آن نسبت به چند بعدی بودن توسعه و کمی و کیفی بودن آن است. هم رشد و هم توسعه اصولاً به جهت بهبود وضعیت مردم مطرح می شود ولی این اعتقاد وجود دارد که توسعه در همه جوامع دست کم باید دارای سه هدف باشد:

۱. امکان دسترسی بیشتر به کالاهای تداوم بخش زندگی، مانند غذا، مسکن، بهداشت و امنیت و توزیع گسترده تر این گونه کالاها

۲. افزایش سطح زندگی، از جمله درآمدهای بالاتر، تامین اشتغال بیشتر، آموزش بهتر و توجه بیشتر به ارزشهای فرهنگی و انسانی، یعنی تمام آنچه که نه فقط به پیشرفت مادی کمک می کند، بلکه احترام به نفس شخصی و ملی بیشتری نیز ایجاد می کند.

۳. گسترش دامنه انتخاب اقتصادی و اجتماعی افراد و ملل از طریق رهایی آنان از قید بردگی و وابستگی، نه تنها نسبت به سایر افراد و کشورها، بلکه همچنین نسبت به نیروی جهل و بدبختی بشری (تودارو: ۱۳۸۳: ۲۶).

البته توسعه علی رغم شباهت هایی که در مفهوم و تعریف در خود دارد و بسیاری از اقتصاددانان و جامعه شناسان بر آن تاکید دارند، در کشورهای مختلف به صورت های متفاوتی بکار گرفته شده و ایدئولوژی های مختلفی از آن بیرون آمده است. از دیدگاه های مارکسیستی که در شرق مطرح بوده تا رویکرد های سرمایه داری غربی. می توان در سه دسته تمامی این تفکرات موجود در توسعه را در جهان تقسیم بندی نمود که شامل:

▪ تکامل: توسعه به مفهوم تکامل، شامل تحول ارگانیک، پویا و حرکت به سوی پیچیدگی، سازمان یابی پیدایش سلسله مراتب ها، ثبات و خودیابی است. بر این اساس توسعه روندی خطی و مستمر و تسلسلی است. در نتیجه گذشته، حال و آینده هر پدیده، از جمله جامعه انسانی، در روندی تکاملی و تاریخی، کاملاً با یکدیگر ارتباط دارند.

▪ نظام یابی: توسعه ممکن است به معنای روندی مستمر و برگشت ناپذیر به سوی سازمان یابی بیشتر و پیچیده تر باشد. این روند شامل تکثیر رسانه ها و مجراهای مبادله، تفکیک نقش های تخصصی، نهادی شدن سازمان ها و تشکلات و بالاخره روابط نظام واره پدیده و پیدایش بافت های نظام دار است. در این دیدگاه وجه تمایز توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی شاخص های متضاد می باشد.

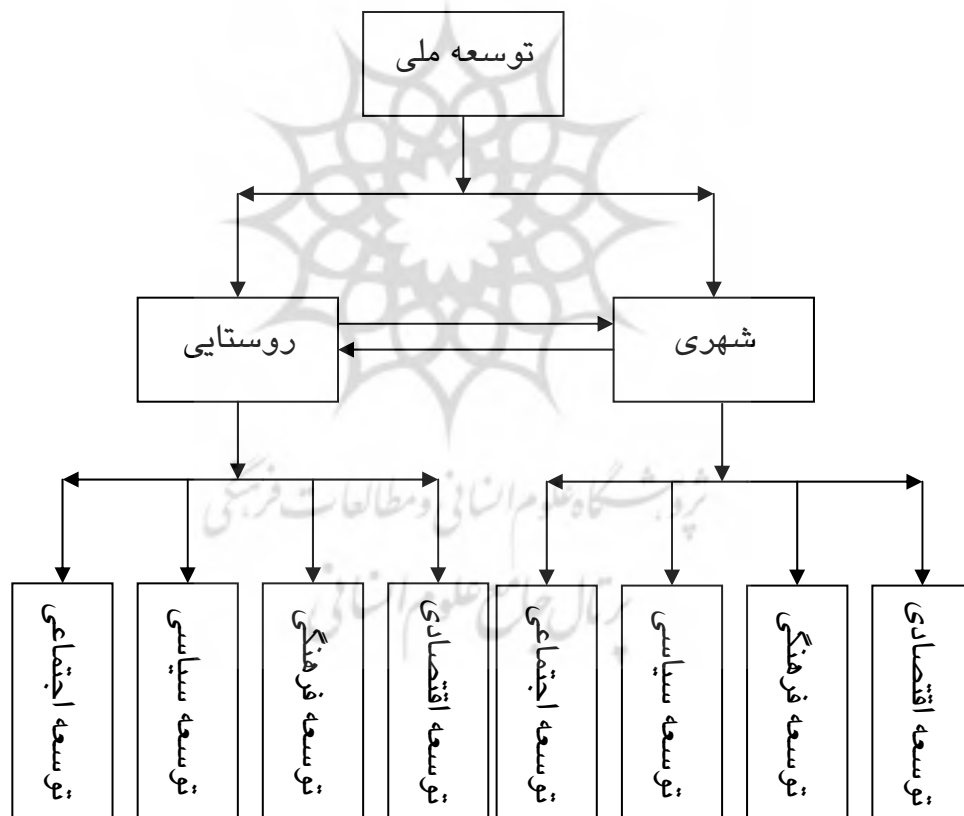
▪ نوگرایی: توسعه از دیدگاه نوگرایی متکی بر تغییراتی است که از قرن ۱۸ در برخی کشورهای پیشرفته به وجود آمد و موجب دگرگونی هایی شد (رضایی: ۱۳۸۴: ۷۵-۷۴).

هر یک از کشورهای جهان سوم در صدد بر آمدند که یکی از این الگوها را پیاده سازند و به اجرا در بیاورند، منجمله کشور ما که می توان گفت که در هر دوره از تاریخ یکی از این روش ها را مورد توجه قرار داده و به اجرا

در آورده است. اما بحثی که بیشتر در باب توسعه امروزه مطرح است، جدای از نوع ایدئولوژی مطرحی در آن، مفهوم توسعه ملی می باشد. امروزه این واژه ملی به عنوان پیشوند بسیاری از مفاهیم بکار می رود، اعم از مسایل فرهنگی و یا اقتصادی چون سینمای ملی، کالای ملی و در این جا قبل از آن که وارد بحث توسعه روستایی بشویم، اشاره ای به این واژه نیز می کنیم.

ابعاد توسعه ملی

در فرایند توسعه ملی و حتی توسعه شهری، توجه به روستاها و برنامه ریزی توسعه روستایی اهمیت دارد. در واقع با توجه به اصل مکمل بودن فضا و مکان ها، توسعه ملی و توسعه شهری بدون توسعه روستایی، معنی و مفهوم نخواهد داشت. سکونتگاه های شهری و روستایی امروزه به دلیل روابط متنوع و گسترده ای که با یکدیگر دارند، بشدت تحت تاثیر یکدیگرند و به یکدیگر وابستگی و نیاز دارند. برنامه های توسعه روستایی در کنار طرح های توسعه شهری می تواند زمینه توازن و تعادل زندگی شهری و روستایی را فراهم کند (رضوانی: ۱۳۸۳: ۸-۷). در نمودار شماره ۱ ارتباط شهر و روستا و توسعه این دو بخش را در چهارچوب توسعه ملی می بینیم.



نمودار شماره ۱- ابعاد توسعه ملی

واژه توسعه شهری و روستایی را می توان از ابعاد مختلفی مورد توجه قرار داد که باید جهت توسعه همه جانبه همگی آن ها به شکل متوازی مورد توجه قرار بگیرند این ابعاد عبارتند از:

أ. توسعه اقتصادی: جان ملور توسعه اقتصادی را فرایندی دانسته که طی آن جامعه کارایی تولید و عرضه کالاها و خدمات مورد نیاز را افزایش داده و به تبع آن سطح زندگی سرانه و میزان رفاه عمومی اعضای خود را

افزایش می دهد (شهبازی: ۱۳۸۱: ۱۳). شاخص های مختلفی جهت تعیین توسعه اقتصادی وجود دارد نظیر تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه، خط فقر، میزان بیکاری، میزان صادرات و ...

ب. توسعه اجتماعی: توسعه اجتماعی در پی بهبود در وضعیت اجتماعی افراد یک جامعه است که برای تحقق چنین بهبودی در پی تغییر در الگوهای دست و پاگیر و زاید رفتاری، شناختن و روی آوردن به یک نگرش، آرمان و اعتقاد مطلوب تری است که بتواند پاسخ گوی مشکلات اجتماعی باشد (ازکیا و دیگران: ۱۳۷۹: ۱۹). سازمان ها، نهادهای اجتماعی و سمن ها از جمله معیارهای توسعه اجتماعی در روستاها هستند.

ج. توسعه فرهنگی: «مفهوم توسعه فرهنگی برای نخستین بار در کنفرانس بین المللی سیاست های فرهنگی^۱ که توسط یونسکو در سال ۱۹۷۰ در ونیز ترتیب یافت، مطرح شد. یک نوع نگرش به توسعه فرهنگی که برپایه مدل های کاملا کمی ارائه شده است آن را نتیجه رشد اقتصادی می داند و در واکنش به این دیدگاه، نگرش دیگری آن را در قالب نیازهای مرتبط با کیفیت در مسیر رشد یا زندگی تبیین می کند (محمدی: ۱۳۸۶)».

د. توسعه سیاسی: توسعه سیاسی فرایندی است که زمینه لازم را برای نهادی کردن شکل و مشارکت سیاسی فراهم می کند که حاصل آن افزایش توانمندی یک نظام سیاسی است (ازکیا و دیگران: ۱۳۷۹: ۲۱-۲۰).

توسعه روستایی

زمینه پیدایش آنچه را که امروزه توسعه روستایی نامیده می شود می توان در اواخر دهه ۴۰ یعنی زمانی که دولت اردوگاه هایی برای پناهندگان پاکستان غربی در سال ۱۹۴۷ برپا کرد، جستجو کرد، علاوه بر این، اولین تظاهرات تفکر برنامه ریزی و توسعه روستایی را می توان بعد از دهه ۱۹۷۰ یعنی به شکست انجامیدن الگوهای توسعه به دلیل تخریب محیط زیست، رشد بی رویه شهرها، فقر و فلاکت روستاییان و ... جستجو کرد (آسایش: ۱۳۸۳: ۲۱) برای توسعه روستایی تعاریف مختلفی ارائه شده است که برخی از آن ها عبارتند از:

۱. از دیدگاه بانک جهانی توسعه روستایی به معنای استراتژی است که برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه مشخصی از مردم که همان روستاییان فقیر هستند طراحی می شود. این استراتژی در پی گسترش منافع توسعه در بین فقیرترین افرادی است که در نواحی روستایی به دنبال امرار معاش هستند. از نظر بانک جهانی، فقرای روستایی شامل کشاورزان خرده پا، اجاره نشین ها و خوش نشین ها می شود (مطیعی لنگرودی: ۱۳۸۴: ۶۰).

۲. توسعه روستایی را می توان تحولات چند بعدی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی برای پیشرفت همه جانبه جامعه روستایی تعریف کرد (سلمان زاده و دیگران: ۱۳۷۹: ۱۲۲)

۳. توسعه روستایی فرایندی چند بعدی است که موضوع آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب پذیر اجتماع روستایی است. فرایندی که با بهره گیری از سازوکارهایی چون برنامه ریزی، سازمان دهی، تقویت خوداتکایی فردی و جمعی و ایجاد دگرگونی مناسب در ساختارهای ذهنی و اجتماعی روستاییان تلاش می کند که در آن ها قدرت، توان و اختیار بهره گیری از قابلیت ها و منابع در اختیارشان را تقویت کند تا به واسطه آن بتوانند وضعیت موجودشان را به وضعیت مناسب و مطلوب تر تغییر دهند. تحقق چنین توسعه ای نیازمند دگرگونی در

¹ Policies International Conference on Cultural

ساختارهای نهادی، فنی، شخصیتی و ارزشی است که منجر به تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی و ویژگی های شخصیتی روستاییان می شود (ازکیا و دیگران: ۱۳۸۳: ۲۲).

پس می توان گفت که توسعه روستایی باید به توسعه نظام موجود در منطقه روستایی پردازد که طبعاً این نظام باید در بر گیرنده تمامی ابعاد بیان شده در توسعه اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی باشد. لذا هر منطقه روستایی را می توان یک نظامی دانست که در آن عوامل زیر از اهمیت به سزایی برخوردار هستند:

۱. **ساختار اجتماعی:** گروه های اجتماعی مختلف و روابط آن ها و ساختار قدرت که بوسیله الگوی مالکیت و الگوی دسترسی به درآمد و اشتغال تعیین می شود.

۲. **ساختار فضایی تولید منطقه ای:** شامل منابع منطقه، محل استقرار و ارتباط میان آن ها و نظام فضایی (آمایشی) است. که روابط نیروی کار و سایر نهاده ها و بازار عرضه تولیدات را تعیین می کند

۳. **ساختار فضایی تولید:** شامل روابط اقتصادی و پیوندها و ارتباطات بین واحدهای مولد، ساختار دستمزد، الگوی کنترل نیروهای مولد، تنظیم بازار مربوط می باشد که شامل

ا. ترکیب و کیفیت کالاها و خدماتی که باید تولید شوند

ب. فنون تولید و نهادهای عامل مربوطه

۴. **ساختار نهادی و ساختار انگیزه:** شامل نهادهای دولتی و شبه دولتی مثل موسسات مالی و سیاست ها و دخالت دولت در قالب قوانین و مقررات، سیاست قیمت گذاری، سیاست دستمزد و سیاست اعتباری می شود.

۵. **روابط منطقه با بقیه کشور یا با جهان:** شامل واردات، صادرات و پیوندهای اداری و سیاسی است (میسرا و دیگران: ۱۳۷۱: ۸-۱۲).

با توجه به این مفاهیم می توان فهمید که توسعه روستایی ترکیبی پیچیده در جهت ارتقای وضعیت گروه های اجتماعی مختلف از طریق بهبود ساختار اقتصادی و با کمک سازمان های نهادی و ابزارهای دولتی و غیر دولتی است. در عین حال در این راستا اهمیت دارد که روستا را نه به عنوان یک جزیره مجزا بلکه در تعامل با محیط بیرونی دانست.

در توسعه همان گونه که اشاره شد، دیدگاه های مختلفی وجود دارد که می توان بر اساس سه شکل تکامل، نظام یابی و نوگرایی آن ها را تقسیم نمود. توسعه روستایی نیز به عنوان یکی از این بخش های توسعه خالی از تاثیر این رویکردها نیست. لذا برای پیشبرد برنامه های توسعه روستایی سه راهبرد مورد استفاده کشورهای جهان مطرح شده که عبارتند از:

۱. **تکنوکراتیک:** افزایش تولید از طریق یکپارچگی اراضی و یا بکارگیری تکنولوژی پیشرفته تولید

۲. **اصلاح طلبانه:** هدف توزیع درآمد در بخش های جامعه روستایی است و توجه کمتری به افزایش بازده دارد.

۳. **رادیکال:** هدف انجام دگرگونی سریع اجتماعی و توزیع مجدد قدرت سیاسی است. هدف افزایش مشارکت

توده مردم، برابری اقتصادی و تولید بیشتر است (نسیمی: ۱۳۸۲: ۲۰۲-۱۹۸).

در جدول شماره ۱ خصوصیات و ویژگی های این سه راهبرد را مورد بررسی قرار می دهیم. لازم به توجه است که یکی از ابزارهای پیاده سازی این سه نوع راهبرد از طریق اصلاحات ارضی است. چرا که در راهبرد تکنوکراتیک جهت توسعه مکانیزاسیون باید اراضی را یکپارچه نمود و در راهبرد اصلاح طلبانه خرد کردن اراضی و توزیع آن بین دهقانان از جمله ضروریات جهت توزیع مجدد ثروت است و در راهبرد رادیکال همان گونه که آشکار است، در اولین مرحله از اصلاحات سیاسی و اقتصادی بعد از انقلاب در این کشورها، اصلاحات ارضی برای تغییر ساختار قدرت در روستاها بکار گرفته شد.

جدول شماره ۱. راهبردهای مورد استفاده در کشورهای در حال توسعه برای توسعه روستایی

کشورهای نمونه	ایدئولوژی	وضعیت مالکیت اراضی	استفاده کنندگان	اهداف	شیوه توسعه روستایی
فیلیپین، برزیل	سرمایه داری	مالکیت بزرگ خصوصی، شرکت های زراعی لاتیفوندا، انواع سیستم های تجاری	مالکین بزرگ	افزایش تولید	تکنوکراتیک
مصر، مکزیک	ملی گرا	بهره برداری خانوادگی تعاونی ها	دهقانان متوسط، زارعان پیشرو	توزیع مجدد ثروت و درآمد، افزایش تولید	اصلاح طلبانه
چین، کوبا، الجزایر	سوسیالیسم	مالکیت جمعی، کمونها، مزارع دولتی	دهقانان خرده پا، کارگران کشا ورزی بدون زمین	دگرگونی اجتماعی توزیع مجدد قدرت سیاسی، ثروت، افزایش تولید	رادیکال

منبع: نسیمی، علی (۱۳۸۲)، مقدمه ای بر سیاست گذاری نوین کشاورزی، انتشارات مولف،

تعریف و مفهوم فضا

قبل از این که وارد بحث آمایش سرزمین بشویم، ضرورت دارد که ابتدا به مفهوم فضا نظری بیندازیم. در یک تعریف عمومی، فضا به فضایی^۱ اطلاق می شود که قلمرو جو است و آن را جو احاطه کرده و عناصر طبیعی که در آن شکل می گیرد، اجرام سماوی و اتمسفر است که تحت دو علم نجوم^۲ و هواشناسی^۳ مطالعه می شود. پاره ای از فیزیک دانهها فضا را به دو قسمت تقسیم کرده اند:

۱. «فضای نزدیک: که از هشتاد کیلومتری زمین شروع شده و تا مجاورت کره ماه ادامه دارد.
۲. «فضای خارجی: یا فضای دور که ناحیه ای است که سیارات و اقمارشان در آن حرکت می کنند و زمین در آن تاثیری ندارد. فضای خارجی گاه تا فضای بین کهکشان ها نیز ادامه می یابد (جعفری: ۱۳۷۹: ۱۰۰)»

¹ Space

² Astrology

³ Meterology

در مفهوم دیگر از فضا که بیشتر جغرافی دانان از آن استفاده می کنند، فضا مفهومی است که به صورت نمادی و احتمالاً مجازی به کار می رود و آن قلمرویی است که در رابطه با یک کلمه اضافه تعریف می شود که شامل فضای اتاق A، فضای ملی ایران، فضای شهر تهران، فضای سیاسی ایران، فضای اقتصادی و یا اقتصاد فضایی ایران و اقتصاد فضای روستایی ایران است. در این مفهوم، کلیه فعالیت های اقتصادی که در محیط های روستایی ایران شکل می گیرد، تعریف می شود.

سه عامل در شکل گیری فضا نقش دارند که شامل شرایط نظام اقتصادی، نظام سیاسی و نظام ایدئولوژیکی و پیوندهای این عوامل سه گانه است که بدان می توان عملکردهای اجتماعی ناشی از آن ها را افزود (شکویی: ۱۳۸۵: ۲۸۹-۲۸۷)

«پس بنا به تعریف فضای جغرافیایی، حجم مکانی و زمانی مجموعه ای از تمام فعالیت هایی است که انسان در راه تسلط بر طبیعت و برای بقا خود انجام می دهد و به عبارت دیگر منظور فضایی است اقتصادی-اجتماعی که منعکس کننده تمام هستی جوامع انسانی است (آسایش: ۱۳۸۳: ۴۷-۴۶)».

همان طور که اشاره شد، دو وجه در تعریف فضا نقش دارند، اقتصادی و اجتماعی. از دید اجتماعی می توان برای فضا سه موضع قایل بود که عبارتند از:

۱. **موضع مطلق یا جوهری از فضا:** در این نظریه فضا جوهری مستقل است که واجد صفاتی از خود می باشد. پیوسته، کمی، قابل نفوذ و ثابت است و از صفات خاصی برخوردار است.

۲. **موضع نسبی یا ربطی از فضا:** در این دیدگاه، فضا امری نسبی و راهی برای آگاهی از روابط بین دنیای فیزیکی است. فضا می تواند تنها به مثابه رابطه بین اشیا وجود داشته باشد.

۳. **موضع معرفت شناسی از فضا:** فضا و زمان نه وجودی جوهری دارند و نه وجودی بالعرض، فضا و زمان معرفتی برای دسته بندی پدیده هاست و کاملاً از قلمرو تجربه جداست. زمان و فضا اشکال ذهنی ادراک مستقیمند که از پیش در ذهن ما وجود دارند (افروغ: ۱۳۷۷: ۵-۲).

از دید اجتماعی، انسان ها همواره درصدد هستند که مرز خود را با دیگران در فضا مشخص و معین کنند، در بحث های جغرافیایی نیز به همین منوال عمل شده است. تعیین و تشخیص مرزهای فضا نیز از جمله مسایلی است که روان شناسان اجتماعی به آن پاسخ داده اند، بر این اساس می توان طبقه بندی های زیر را از فضا داشت:

۱. **فضای صمیمی و درونی:** تا حدود نیم متر برای عمل متقابل فیزیکی نظیر مهر ورزیدن یا نزاع کردن.
۲. **فضای شخصی:** تا حدود ۱/۵ متر برای گفتگوهای خصوصی و روابط متقابل دوستانه
۳. **فضای اجتماعی:** تا حدود ۴ متر برای اشتغالات رسمی و تماس های اجتماعی
۴. **فضای عمومی:** ۴ متر و بیشتر برای فعالیت های عمومی بر حسب عرف و قانون در جامعه (موسی کاظمی و

دیگران: ۱۳۸۳: ۲۹-۲۸)

در بعد دیگر از مفهوم فضا، یعنی بعد اقتصادی آن، فضا شامل محدوده ای است، به نام روستا، روستاها، شهرها، ایران و حتی کشورها که شکل می پذیرد و در ابعاد مختلف جلوه گر می شود که در این صورت تفاوت آن با اقتصاد روستا و شهر مشخص می شود. در بیان و مفهوم اقتصاد روستایی چنان آمده است که کلیه فعالیت هایی که

در محیط روستایی منجر به تولید، توزیع، مصرف و ارایه خدمات گردد، اقتصاد روستایی نامیده می شود و در نهایت دارای سه شالوده عمده است که عبارتند از، کشاورزی، صنایع روستایی و خدمات. ولی در اقتصاد فضاهاى روستایی علی القاعده و ظاهراً چنان استنباط می گردد که یک مفهوم برنامه ریزی در آن مستتر باشد و در آن به ضرورت برنامه ریزی برای محیط های خاص اشاره دارد که در مطالعات ما آن محیط، محیط روستایی است بنابراین مفهوم آن به صورت برنامه ریزی اقتصاد روستایی مطرح می شود. اگر بخواهیم یک مفهوم جامعی در آن در نظر بگیریم می توان از برنامه ریزی برای اقتصاد روستایی به منظور توسعه روستاهای ایران نام ببریم.

آمایش سرزمین^۱

تفکر آمایش سرزمین برای نخستین بار در فرانسه در ارتباط با تحلیل کمی از نبود تعادل در توزیع فضایی جمعیت، فعالیت و خدمات بعد از جنگ جهانی دوم، به همراه پیدایش تفکر جدید برنامه ریزی برای بازسازی کشور به وجود آمد. آمایش سرزمین توزیع متوازن و هماهنگ جغرافیایی کلیه فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر حسب انسان، سرزمین و فعالیت های انسان می نامند (مبینی دهکردی و دیگران: ۱۳۸۵: ۳۴). در آمایش سرزمین چهار پارامتر مهم می باشند که عبارتند از:

- **توان اکولوژیکی:** برآورد استفاده ممکن انسان از سرزمین برای کاربری های کشاورزی، مرتعداری، جنگلداری، پارکداری (حفاظت، توریسم) آبی پروری، امور نظامی و مهندسی و توسعه شهری، صنعتی و روستایی در چهارچوب استفاده های کشاورزی، صنعت، خدمات و بازرگانی است.
- **تکنولوژی:** چه فن و روشی در اختیار است تا بهره برداری از اندوخته ممکن شود.
- **نیروی انسانی:** چند نفر نیروی انسانی ماهر و غیر ماهر برای بهره برداری موجود است.
- **منابع مالی:** آیا سرمایه کافی برای بهره برداری موجود است و یا بهره برداری مقرون به صرفه است (مخدوم: ۱۳۸۵: ۲۰).

به طور کلی سه مشکل در زمینه مطالعات آمایش سرزمین وجود دارد که عبارتند از:

۱. زمین در موردی به کار رفته که مناسب آن نبوده است.
۲. تحولاتی که طی زمان بر روی زمین صورت گرفته، مشخص نیست.
۳. یک طبقه بندی مناسب که مورد تایید همگان باشد، در کاربری های شهری و روستایی موجود نیست. یک اختلاف در طبقه بندی بر سر این است که زمین را باید بر اساس قرارداد^۲ تقسیم بندی کرد یا بر اساس عملکرد^۳. البته مفهوم از زمین که در این جا به کار رفته قدری با برداشت عادی از زمین تفاوت می کند. زمین را می توان با توجه به دو خصوصیت تعریف نمود.

^۱ Land use

^۲ Formal

^۳ Functional

۱. **مشخصات و کیفیت های مادی زمین:** ناهمواری های ظاهری، جلگه ها، فلات ها، تپه ماهور ها و کوه ها مورد توجه است که با بیان کمی و کیفی مطرح می شود. آب و هوا، انواع کانی ها، آبهای سطحی و زیر زمینی، دیدگاه اقتصادی کانی ها، جنس خاک و ... را به عنوان مشخصات مادی مطرح می شوند.
۲. **مشخصات و کیفیت های غیر مادی زمین:** کار طبقه بندی در این مرحله کمی مشکل است. بنا بر نظر دودین، هفت تعریف برای زمین قابل طرح شدن است که شامل:
 - ا. زمین مکان، رویه و فضایی است که بخش اصلی حیات و زندگی بشر روی آن است.
 - ب. همین محیط طبیعی است که علاوه بر رویه خاکی، جنبه های دسترسی به نور خورشید، باران و سایر عوامل اقلیمی را در بر دارد.
 - ج. از دید اقتصادی، زمین در ردیف عوامل تولید قرار دارد.
 - د. زمین کالایی مصرفی است بویژه وقتی که جهت مقاصد گوناگون سکونتگاهی بکار می رود.
 - ه. زمین در ارتباط با منابع و بازارها یک موقعیت مکانی به شمار می رود.
 - و. زمین از دید حقوقی و مالکیت خصوصی قابل تصرف است.
 - ز. زمین از دید اقتصادی سرمایه است (غازی: ۱۳۷۱: ۱۲۲-۱۱۳).
 شناسایی زمین از طریق منابع مختلفی صورت می گیرد که هر کدام دارای مزایا و معایبی هستند که شامل:
 ۱. **اطلاعات حاصل از متون و پژوهش ها:** این قبیل اطلاعات برای مقاصد خاصی تهیه شده و همیشه مورد استفاده کاربران به نحو مطلوب نمی تواند کاربرد داشته باشد. ضمن این که گذشت زمان و نقش آن بر زمین انکار ناپذیر است.
 ۲. **اطلاعات نقشه ای:** این اطلاعات دارای یک سری اشکالات است که شامل ۱- مقیاس نقشه است که ممکن است با هدف نقشه همراهی نداشته باشد. ۲- روش تهیه نقشه ۳- تاریخ نقشه و یا تاریخ عکس برداری ۴- دقت نقشه ۵- هدفی که تحقیق دارد ممکن است با نقشه موجود همخوانی نداشته باشد.
 ۳. **اطلاعات سنجش از راه دور:** استفاده از عکس های ماهواره ای شاید ارزان ترین و بهترین راه برای این منظور باشد که خود آن نیز مشکلاتی متعدد دارد. از آن جمله می توان به وجود، هزینه بالای آن، تکنیک های پیچیده و بعضاً غیر قابل دسترسی که جهت استفاده از نیروی انسانی، ابزار نیاز دارد و تاثیرات سیاست جهانی نظیر تحریم ها و یا قوانین بین المللی حاکم بر آن.
 ۴. **اطلاعات حاصل از مطالعات زمینی:** این مطالعات نیاز به هزینه و وقت زیادی دارد، علاوه بر آن می توان به تغییر کاربری ها اشاره نمود که در سطح کلان این تغییرات با تبدیل اراضی زراعی به نفع شهری صورت می گیرد.

ارزیابی زمین^۱

ارزیابی زمین از دو منظر صورت می گیرد:

^۱ Land Evaluation

۱. قیمت گذاری و ارزش ریالی که شامل ارزش ذاتی یک زمین است.

۲. طبقه بندی^۱: عوامل مختلفی ارزش ذاتی یک زمین را تحت تاثیر قرار می دهد که عواملی چون آب و هوا، ریزش های جوی، کیفیت خاک و غیره است که می توان نقشه های طبقه بندی شده را در این زمینه تدارک دید. جهت ارزیابی زمین مراحل مختلفی لازم است تا فرایند ارزیابی زمین به بهترین نحو صورت بگیرد. این مراحل ارزیابی زمین عبارتند از:

۱. تعیین اهداف
۲. تشخیص و تشریح انواع مختلف اراضی
۳. شکل های مختلف استفاده از اراضی
۴. تشخیص احتیاجات هر یک از اراضی
۵. ارزیابی هر یک از انواع اراضی
۶. انتخاب بهترین استفاده در هر یک از انواع اراضی
۷. طراحی پروژه (تخصیص اراضی به انواع بهره برداری ها یا یا تخصیص اشکال زمین به انواع بهره برداری ها)

۸. تشخیص در مورد اجرای عملیات

۹. اجرای عملیات

۱۰. شروع مرحله بهره برداری

درفرایند ارزیابی زمین بایستی یک سری اصول را در نظر داشت که عبارتند از:

اصل اول- تناسب اراضی برای انواع استفاده هایی که از قبل پیشنهاد می شوند: این اصل برای این واقعیت است که هر یک از کاربری ها دارای احتیاجات متفاوت هستند که باید لحاظ شود. مثلاً احداث یک شهر در شیب تند یا در اراضی نیازمند زهکشی کار مناسبی نیست.

اصل دوم- مقایسه بین سود و هزینه حاصله در ارزیابی زمین: برای هر نوع کاربری اصولاً نیاز به هزینه است. برآورد هزینه ها و مقایسه آن با نوع مشابه کار را بسیار آسان می کند.

اصل سوم- بررسی دیدگاه های مختلف در ارزیابی اراضی: در ارزیابی اراضی استفاده از دیدگاه های مختلف و متخصصان رشته های مختلف ضروری است. به طور مثال در ارزیابی اراضی یک روستا یا شهر استفاده از متخصصان علوم طبیعی، کارشناسان تکنولوژی و معماری و متخصصان اقتصاد و جامعه شناسی ضرورت دارد.

اصل چهارم- ارزیابی اراضی بر اساس مشخصات فیزیکی، اقتصادی و زمینه های اجتماعی منطقه: عواملی نظیر اقلیم، بارندگی، سطح زندگی، سطح دستمزدها، نیازهای استخدامی، روش های مرسوم زمین داری، سرمایه گذاری در زمینه های متناسب با اراضی و ... به طور مثال ارایه اراضی به یک طبقه خاص در زمانی که اراضی محدود است، کار صحیحی نیست و یا در کشورهایی که سطح دستمزد بالا است، اراضی غیر مکانیزه مناسب نیست.

¹ Classification

اصل پنجم - استفاده پایدار از اراضی: اختصاص اراضی به بهره برداری هایی که در کوتاه مدت منابعی با خود دارد و در بلند مدت موجب تخریب می شود، با این اصل منافات دارد. اختصاص اراضی به کاربری هایی که موجب فرسایش می شود، اختصاص اراضی به بهره برداری هایی که موجب بالا آمدن آب های زیر زمینی می شود، اختصاص اراضی به کاربری هایی که موجب تخریب محیط زیست می شود، از آن جمله است. به عبارتی آن چه که در این امر مهم است، پیش بینی پیامدهای احتمالی کاربرد هر یک از شکل های پیشنهادی استفاده از اراضی بر روی محیط طبیعی است که منجر به تخریب آن گردد.

اصل ششم - ارزیابی شامل مقایسه بین چند کاربری: ارزیابی فقط در هنگامی قابل اعتماد و رضایت بخش است که میزان درآمد و هزینه های مربوط به هر یک از انواع استفاده های مورد نظر، حداقل با یک و یا چند نوع کاربری دیگر مورد مقایسه قرار گیرد و این انتخاب بهترین انتخاب است. اصولاً برای تحقیق جهت انتخاب اصلح می توان از روش های برنامه ریزی خطی استفاده کرد.

مطالعات چشم انداز^۱ روستایی

مفهوم چشم انداز که بعد از دهه های ۷۰-۱۹۶۰ به طور جدی به صورت کمی مطالعه می شد، برای مدتی ارزش و کارایی خود را از دست داد، ولی در سال های اخیر جایگاه خود را بالاخص در مطالعات شهری بدست آورده است. در این زمان مطالعه عمده بر روی چشم انداز به دو نوع از اراضی تحت عنوان اراضی مرتفع^۲ و اراضی پست^۳ تقسیم شد (فشارکی: ۱۳۷۳: ۲۰۱). که این تقسیم بندی هم از نظر هزینه ساخت و سازها و هم از نظر، منظر^۴ بود. به هر صورت بر اساس اولین تقسیم بندی از چشم انداز از نظر کشاورزی و روستایی ۷ نوع چشم انداز مطرح می شود که عبارتند از:

۱. **کشت فشرده^۵ شیوه خاصی است در کشاورزی، که طی آن از یک زمین نسبتاً کوچک بهره برداری قابل توجهی به عمل آید.** در این شیوه زمین بطور مداوم زیر کشت قرار می گیرد و به استراحت آن توجه نمی شود. این نوع از کشاورزی بیشتر در کشورهایی مانند دانمارک و انگلستان که ارزش زمین بالا بوده و سیاست کلی در بهره برداری هر چه بیشتر زمین است بکار می رود. (جعفری: ۱۳۷۹: ۱۰۶-۱۰۵)

۲. **کشت گسترده^۶:** عمل کشت و زرع در مقیاس وسیع و استفاده از سیستم های مکانیزه و بکار گرفتن حداقل نیروی انسانی (جعفری: ۱۳۷۹: ۱۰۵).

۳. **لبنیاتی:** شامل سیستم مبتنی بر نگهداری دام و تولید محصولات لبنی است.

۴. **کشت مخلوط:** در سیستم کشت مخلوط، افزایش تنوع بر حسب ساختار رویشگاه و گونه گیاهی مطرح است. این نوع از کشت بیشتر به جوامع طبیعی نزدیک است. در این رو دو یا چند گیاه به طور همزمان کشت می شود (کوچکی و دیگران: ۱۳۷۵: ۲۲).

¹ Landscape

² upland

³ lowland

⁴ View

⁵ Intensive farming

⁶ Extensive farming

۵. **کشت عمومی**^۱: این سیستم در اوایل دهه ۱۹۳۰ میلادی در کشور شوروی ابداع شد و به اجرا درآمد. در این سیستم، تمامی اراضی به جز قطعات کوچک خانوادگی جهت انجام کشاورزی اشتراکی ملی شد. در چین نیز این واحدها تحت عنوان کمون پدید آمد (سینگ: ۱۳۸۲: ۵۰۶). نمونه های آن را در رومانی، یوگسلاوی سابق، اسرائیل و ... دیده می شد.

۶. **لبنیاتی و کشت و زرع**: تلفیقی از کشت و زرع، عمدتاً کشت علوفه ای با محصولات دامی برای تولیدات دامی و لبنیاتی است.

۷. **فضای مسکونی**: که با توجه به امکانات موجود در منطقه و نیازها و شرایط محیطی این چشم اندازها تغییر می کند.

در فضاهای روستایی چشم اندازها در سال های اخیر به کرات تغییر می یابند، عوامل تغییر دهنده عبارتند از ایجاد و یا توسعه شهرها، راهها به خصوص راه های چند بانده، بزرگراه، راه آهن، سدها، پادگان ها و باشگاه ها، اردوگاه ها، زمین های گلف و در مواردی عوامل طبیعی موجب تغییر چشم اندازها می گردد. مثل آتش فشان ها، زلزله و رانش زمین، سیل و حرکت ماسه های روان

البته در شکل گیری این چشم اندازها عوامل مختلفی دخیلی هستند، ولی می توان عمده این عوامل تاثیر گذار را در چشم اندازهای مبتنی بر کشت و زرع به شرح زیر دانست:

ا. **شکل و وسعت مزرعه**: اصطلاح مزرعه، نشاندهنده قطعه زمینی است متعلق به یک مالک، واقع در محلی معین که به نوع معینی از فعالیت کشاورزی اختصاص دارد.

ب. **ناهمواری های ناشی از عملیات کشاورزی**: گاه قطعه زمینی کشاورزی بواسطه شیارهای عمیق تر از شخم از یکدیگر جدا می افتد که می تواند به افزایش ضخامت خاک یاری رساند و از سوئی کار زهکشی را تسهیل کند ولی در عوض مانعی است بر سر کاربرد ماشین آلات کشاورزی که به همین دلیل در حال منسوخ شدن است.

ج. **وجود یا عدم وجود حصار، سرزمین های باز و سرزمین های محصور**: سرزمین های باز اغلب از پوشش درخت بی بهره هستند و هیچ چیز جز ناقوس کلیسا در روستا و منبع های بزرگ آب بر روی پایه های بلند و تیر تلگراف دیده نمی شود. در سرزمین های محصور درخت یا حصار و یا دیوار سنگی مزارع را محصور می کند (دروئو: ۱۳۷۴: ۲۰۶).

ناهمواری های کشاورزی ناشی از نوع کشت است ولی حصار و یا نبود حصار بسته به تصمیمات کشاورزان جهت مکانیزه کردن کشاورزی و وسعت دادن به زمین ها دارد. به غیر از عوامل ذکر شده نوع ساختارهای حکومتی نیز می توانند در شکل گیری چشم اندازها نقش داشته باشند، به طور مثال الگوهای کشت عمومی. مساله دیگر نوع اقتصاد روستایی است. در مکان هایی که تولید لبنی حکمفرماست، طبعاً چشم اندازها با منطقه زراعی متفاوت است.

¹ Collective farming

ارزیابی چشم انداز

جهت ارزیابی چشم انداز پنینگ و روسل (۱۳۸۱) سه مرحله روشن را در ارزیابی چشم انداز مشخص کرده اند که عبارتند از:

۱. روش های حسی یا ریخت شناسی: که بر چگونگی شکل زمین تعصب داشتند و به دو مرحله صورت برداری حقیقی نخستین از شکل زمین و آمایش سرزمین و سپس یک برآورد کیفی از ارزش هر نوع چشم اندازی که بدین ترتیب تعیین هویت شده بود، می پرداخت.
۲. روش های آماری: شامل متغیرهای بیشتری می شد و مطالعات میدانی و دست دوم را در بر می گرفت.
۳. اولویت عامه: که مربوط به چگونگی تعیین اولویت ها توسط مردم بود (فشارکی: ۱۳۷۳: ۲۱۶-۲۱۴).

اصلاحات ارضی و زمین داری

زمین داری مشتمل است بر ترتیبات حقوقی، قراردادی و عرفی که به موجب آن دهقانان به امکانات تولیدی بر روی زمین دست می یابند. در جوامع غیر صنعتی، زمین منبع اساسی قدرت اقتصادی و اجتماعی به شمار می رود. نظام زمین داری منعکس کننده ساخت های طبقات اجتماعی و مناسبات طبقاتی است. بنابراین نوینیانی این قواعد زمین داری متضمن دگرگونی موقعیت های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی گروه های قدرتمند می شود. بنابراین اصلاحات ارضی به عنوان امری پیچیده و بغرنج مطرح می شود. در این راستا اصلاحات ارضی را می توان تغییر دادن و نوینیانی این قواعد به منظور رونق دادن نظام زمین داری در جهت توسعه اقتصادی دانست.

اصلاحات ارضی به معنای اخص تعبیر می شود، به تقسیم ارضی بین دهقانان و مالکان اصلاحات ارضی به نحو عام مشتمل است بر استقرار نظام نوین زراعی در مناطقی که نظام سنتی در آن جا استیلا دارد و نیز بر اسکان کشاورزان در اراضی بکر و ازدیاد بهره وری کشاورزی و سطح اشتغال در صورت فراهم بودن اعتبار، بازار، و آموزش های ترویجی و مشورتی دارد. یکی از اهداف اصلاحات ارضی جامعه عمل پوشیدن به عدالت اجتماعی است. اصلاحات ارضی دارای سه جز است:

۱. توزیع مجدد زمین
 ۲. یکپارچگی اراضی و سازماندهی بر اساس تعاونی
 ۳. اصلاح شیوه اجاره داری
- اصلاحات نهادی و مکمل شامل اعتبارات، تعاونی ها، بازاریابی، مالیات، قانون کار، یارانه، قیمت گذاری، طرح های مسکن، خدمات ترویجی و... است (رکن الدین افتخاری: ۱۳۸۲: ۵۱).

ضرورت اصلاحات ارضی

در اکثر کشورهای کمتر صنعتی شده که عمده جمعیت آن ها کشاورز هستند، معیشت ۵۰٪ درصد مردم به کشاورزی وابسته است. بنابراین توسعه اقتصادی باید مشتمل بر توسعه کشاورزی باشد و یا اینکه توسعه اقتصادی با توسعه کشاورزی آغاز شود. در این صورت باید کشاورزی دارای تولید مازاد باشد تا توسعه حاصل شود. در عین حال عده ای معتقد هستند که اصلاحات ارضی راهی است که به فلاکت می انجامد، زیرا واگذاری زمین به دهقانان

بی سواد کار عبثی است. چون در این صورت دهقانان تنها قادر خواهند بود که تنها نیاز های خود را برآورده کنند و این مساله می تواند منجر به افزایش قیمت مواد خوراکی شود که در نتیجه روی رشد اقتصادی اثر می گذارد. اما روند تاریخی این دیدگاه را رد می کند. پیتر دروئر معتقد است، اعتماد به توانایی و استعداد دهقانان برای قبول و انجام مسئولیت ها به نحو شایسته به اثبات رسیده است، لیکن پرورش این استعداد محتاج محیط نهادی^۱ در خور است، ایجاد چنین محیطی بر عهده اصلاحات ارضی است.

علاوه بر این مساله رشد سریع جمعیت، مهاجرت روستاییان به شهر،... مجموع این عوامل می تواند منجر به ناآرامی های اجتماعی و سیاسی و عدم ثبات در کشورهای در حال توسعه شود، که یکی از مسکن های این مساله اصلاحات ارضی است که موجب کاهش فقر، ایجاد مشاغل، نزدیکی، برابری می شود. بنابراین وابستگی دهقانان به زمین تنها یک یاهو اندیشی نبوده بلکه از الزام های حیات و بقا دهقانان است. برخی از متخصصان هم معتقدند که یکی از پیامدهای اصلاحات ارضی انقلاب سبز بوده است که سبب افزایش تولید به میزان قابل توجه در کشاورزی شده است. در عین حال این دیدگاه وجود دارد که بارقه رشد و توسعه روستایی با شروع اصلاحات ارضی شکل می گیرد.

در اصلاحات ارضی سه اصل مهم وجود دارد تا این تصور حاصل شود که اصلاحات ارضی به نتیجه رسیده است که عبارتند از:

۱. به دست آوردن زمین چه از طریق غرامت و چه از طریق استفاده از زور. در هر صورت این مرحله اولین گام در اصلاحات ارضی است.
۲. تجدید سازمان زمین داری که می تواند در غالب سازمان خانوادگی، خصوصی، کشت و زرع گروهی و یا در قالب تعاونی های مشاع دولتی باشد.
۳. حمایت اقتصادی و علمی دولت، خصوصاً در برابر مالکانی که زمین خود را از دست داده اند (مهدوی: ۱۳۷۸: ۳۱-۳۰).

اصلاحات ارضی را می توان بر اساس دو معیار تقسیم بندی نمود که شامل:

۱. از نظر نوع اجرا: که به دو شکل مسالمت جویانه ولی آرام و کند (مثل کشور هند) و شکل شدید و جدی (روش چینی) تقسیم می شود.

۲. از نظر میزان و شدت سلب مالکیت نیز می توان به:

- ا. اصلاحات ارضی از نوع معتدل که شامل تغییرات در قوانین و روابط حاکم بر زارع و مالک است
- ب. سلب محدود مالکیت توسط دولت که شامل کنترل اجاره یا تقلیل آن، یکپارچگی اجباری اراضی و جلوگیری از خرد کردن اراضی است.
- ج. برنامه های سلب مالکیت که اراضی مالکان توسط دولت سلب مالکیت می شود و به زارعات کم زمین داده یا خود اقدام به تاسیس واحد زراعی می کند
- د. برنامه های اشتراکی کردن مزارع

¹ Institutional environment

۳. بر اساس نتایج اصلاحات ارضی که حاصل آن سه گونه است:

- ا. تحت تفکرات فئودالی که زمین های متعدد یکپارچه شد
- ب. اصلاحات ارضی در کشورهای سوسیالیستی که اراضی از بزرگ مالکان گرفته شده و به کشاورزان داده شد
- ج. کشورهای غیر سوسیالیستی که بیشتر کشورهای جهان سوم این گونه بودند که هدف ایجاد واحدهای دهقانی بدون عملیات زیر بنایی و تحت تاثیر عوامل سیاسی نظیر ایران (پاپلی یزدی: ۱۳۸۵: ۲۳۹-۲۳۸).

اصلاحات ارضی و تولید جمعی

در دنیا شکل های مختلف نظام های زراعی جمعی را می بینیم که بر اثر عوامل مختلفی منجمله اصلاحات ارضی شکل گرفته اند، که عبارتند از:

۱. جایی که واحد زراعی جمعی بر اساس میل به آرمان های معینی-اعم از مذهبی، سیاسی و یا میهنی شکل گرفته است، نظیر کبوتص و یا کمون ها.
۲. زمانی که تولید جمعی بر اساس اصلاحات ارضی است که طی آن زمین از بزرگ مالکان گرفته شده و یا خانوارهای روستایی فاقد زمین، در اراضی کشت نشده استقرار یابند.
۳. دولت در این حالت بنا به ضرورت های اجتماعی و فنی، واحد زراعی روستایی را به صورت واحد زراعی جمعی درآورد که هم موجب نظارت شدید بر سطح مصرف جمعیت روستایی از طریق تجمع آن ها می شود و هم این که تغییر جهت نیروی انسانی را به میزان قابل ملاحظه ای از بخش کشاورزی به صنعت ایجاد می کند.
۴. در این حالت که در نظام اقتصادی آزاد متجلی است، در این نظام واحدهای زراعی کوچک اقدام به گسترش واحد زراعی خود از طریق خرید یا اجاره می کنند (ازکیا و دیگران: ۱۳۷۷: ۲۴۸-۲۳۶).

موانع اصلاحات ارضی:

۱. قدرت اقتصادی و سیاسی زمین داران
۲. موانع داخلی: که می تواند شامل:
- ا. عدم وجود سازمان های روستایی و مشکلات مربوط به زارعان مستاجر، گاوبندها، کارگران کشاورزی، خرده مالکان
- ب. تاکید اساسی بر اسکان دهقانان در مناطق جدید
- ج. پرداخت قیمت زمین به نرخ روز توسط دولت
- د. مساله یک پارچه کردن اراضی
- ه. مشکل در نظر گرفتن اعتبار
- و. نبودن اطلاعات دقیق و آمار
- ز. نبود نقشه های لازم برای ارزیابی زمین

نتیجه گیری

با آغاز تلاش ها برای توسعه در کشورهای جهان سوم دیدگاه ها و روشهای متفاوتی نیز مطرح شدند تا بتوانند شکاف این کشورها را با کشورهای توسعه یافته پر نمایند. شاید اولین بحثی که مطرح شد علل عدم تحقق ارتقا وضعیت اجتماعی مردم فقیر بود که سبب شد تا تمایزات بین مفهوم رشد و توسعه مطرح گردد. تاکید شد که رشد صرفاً مفهومی کمی بوده ولی توسعه ابعادی کیفی و کمی را توأمأ داراست، و در عین حال مفهومی چند بعدی است که بر خلاف رشد که عمدتاً تک بعدی و اقتصادی است می باشد. از طرفی در قالب مفهوم توسعه، توسعه ملی مطرح می شود که رویکردی همه جانبه بر توسعه روستایی و شهری با تاکید بر ویژگی های بومی ایران دارد. در این دیدگاه از توسعه، توسعه روستایی و شهری لازم و ملزوم یکدیگر بوده و توسعه هر یک از آن ها به دیگری وابسته است. در مقوله توسعه روستایی به عنوان یک مقوله چند وجهی (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) ضرورت دارد که به ارتقا تمامی مردم فقیر و ثروتمند توجه شود که در این راستا ابزارهای جدیدی مطرح می شوند که شامل آمایش سرزمین و اصلاحات ارضی است. آمایش سرزمین به دنبال توزیع بهتر امکانات اقتصادی و اجتماعی با در نظر گرفتن توان اکولوژیکی و مقتضیات مالی و انسانی است و اصلاحات ارضی به دنبال نوینانی در تولید و مالکیت زمین است. در راستای اجرای اصلاحات ارضی و آمایش سرزمین ضرورت دارد که مکانیسمی از ارزیابی زمین تهیه و تدوین شود. این مکانیزم باید بر اساس قیمت اراضی و عواملی باشد که قیمت را تحریف می کنند که این عوامل محیطی و یا فیزیکی (نظیر احداث یک جاده) می باشد.

منابع:

- ۱- ازکیا، مصطفی، ایروانی، محمد مهاجر، نیک خلق، علی اکبر (۱۳۷۷): مسایل جامعه شناسی روستایی - نظام اقتصاد هدایتی و آزاد و تغییر سازمان اجتماعی روستایی، انتشارات روزبهان،
- ۲- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰): جامعه شناسی توسعه، انتشارات کلمه،
- ۳- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳): توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران، انتشارات نشر نی،
- ۴- آسایش، حسین (۱۳۸۳): اصول و روش های برنامه ریزی روستایی، انتشارات پیام نور،
- ۵- آسایش، حسین (۱۳۸۳): کارگاه برنامه ریزی روستایی، انتشارات پیام نور،
- ۶- پاپلی یزدی، محمد حسین، ابراهیمی، محمد امیر (۱۳۸۵): نظریه های توسعه روستایی، انتشارات سمت،
- ۷- افروغ، عماد (۱۳۷۵): فضا و نابرابری اجتماعی - آرایه الگویی برای جدایی گزینی فضایی و پیامدهای آن - انتشارات دانشگاه تربیت مدرس،
- ۸- محمدی، امیر (۱۳۸۶): توسعه فرهنگی در آموزه های قرآنی، روزنامه کیهان، ۳۰ مرداد - شماره ۱۸۸۸۰
- ۹- مخدوم، مجید (۱۳۸۵): شالوده آمایش سرزمین، انتشارات دانشگاه تهران،
- ۱۰- تودارو، مایکل (۱۳۸۳): توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی، انتشارات موسسه پژوهش در برنامه ریزی و توسعه،
- ۱۱- جعفری، عباس (۱۳۷۹): فرهنگ گیتا شناسی (اصطلاحات جغرافیایی)، انتشارات گیتا شناسی،

- ۱۲- سلمان زاده. سیروس، شهبازی. اسماعیل، کرمی، عزت الله، ملک محمدی. ایرج (۱۳۷۹): فرهنگ کشاورزی و منابع طبیعی- ترویج و آموزش کشاورزی، انتشارات دانشگاه تهران،
- ۱۳- رکن الدین افتخاری. عبدالرضا (۱۳۸۲): توسعه کشاورزی (مفاهیم، اصول، روش تحقیق، برنامه ریزی در یکپارچگی اراضی کشاورزی) انتشارات سمت،
- ۱۴- سینگ. جاسبر (۱۳۸۲): جغرافیای کشاورزی، ترجمه سیاوش دهقانیان، عوض کوچکی، علی کلاهی اهری، انتشارات فردوسی مشهد،
- ۱۵- شهبازی. اسماعیل (۱۳۸۱): توسعه و ترویج روستایی، انتشارات دانشگاه تهران،
- ۱۶- دروئو. ماکس (۱۳۷۴): جغرافیای انسانی، ترجمه سیروس سهامی، انتشارات رایزن،
- ۱۷- رضایی. محسن (۱۳۸۴): چشم انداز ایران فردا، انتشارات اندیکا،
- ۱۸- رضوانی. محمد رضا (۱۳۸۳): مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران، انتشارات قومس،
- ۱۹- شکویی. حسین (۱۳۸۵): اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، (جلد اول)، انتشارات گیتا شناسی،
- ۲۰- فشارکی. پریدخت (۱۳۷۳): جغرافیای روستایی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی،
- ۲۱- مطیعی لنگرودی. حسن (۱۳۸۲): برنامه ریزی روستایی با تاکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد،
- ۲۲- مهدوی. مسعود (۱۳۷۸): مقدمه ای بر جغرافیای روستایی ایران، انتشارات سمت،
- ۲۳- میسر. آر. پی، سوندارام. کی. وی (۱۳۷۱): گزینه های توسعه روستایی، ترجمه علی اکبر، انتشارات روستا و توسعه،
- ۲۴- غازی. ایران (۱۳۷۰): مفهوم آمایش سرزمین و رابطه آن با تحلیل های جغرافیای توسعه، مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی طرح ریزی کالبدی (ملی و منطقه ای)، ۲۳ تا ۲۵ دی ماه
- ۲۵- کوچکی. عوض، حسینی. محمد، هاشمی دزفولی. ابوالحسن (۱۳۷۵): کشاورزی پایدار، انتشارات دانشگاه مشهد،
- ۲۶- مبینی دهکردی. علی، هاشمیان اصفهانی. مسعود (۱۳۸۵): شناخت محیط ملی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۷- موسی کاظمی. سید مهدی، بدری. سید علی (۱۳۸۳): جغرافیای شهری و روستا شناسی، دانشگاه پیام نور،
- ۲۸- نسیمی. علی (۱۳۸۲): مقدمه ای بر سیاست گذاری نوین کشاورزی، ناشر مولف،



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی